

اسید پاشی اصفهان 11 قربانی گرفت



روزنامه نگار - سعید آگنجی

آیا اسید پاشیدن به زنان به دلیل بدحجابی است؟

امام جمعه موقت اصفهان در مورد بی حجابی سخنانی را طی هفته‌های گذشته بیان کرد، اما بعد از روی دادن این حوادث در سطح اصفهان مدعی شد که این حوادث ارتباطی با سخنان من ندارد.

مسئله حجاب دیگر از حد تذکر گذشته است و برای « طباطبائی نژاد امام جمعه اصفهان در سخنان اخیر خود دعوت به خشونت کرد: «تر را بالا برد و از نیروی قهریه استفاده کرد. مقابله با بدحجابی باید چوب

این موضوع بپردازند. این حوادث طی هفته ها بار دیگر به ماجرای اسید پاشی به دختران در اصفهان به بهانه بدحجابی موجب شد که رسانه های گذشته در خیابان‌های توحید و سه راه سیمین اصفهان رخ داده است و قربانیان زیادی را گرفته است.

اواسید پاشیده شده است. قربانیان دیگر تعدادی خانم سوار اولین دختر در نزدیکی منطقه جنوب شهر اصفهان در پیاده رو بوده که به صورت مالک تالار» از قربانیان این حوادث نوه حاج آقا صالح صورت راننده و سرنشینان اسید پاشیده می شود. یکی دیگر بر اتومبیل بودند که به در اصفهان است که یکی از چشمانش تخلیه شده است و چهل درصد بینایی چشم دیگرش را از دست داده است. تا کنون طبق «آپادانا گزارشات ۱۱ مورد اسید پاشی رخ داده است.

در مورد دیگر که باعث تخلیه دو چشم و همچنین مقداری از اسید وارد دهان، معده و ریه فرد قربانی شده است. موارد دیگر در ناحیه شمال اصفهان رخ داده است که تا کنون یکی از قربانیان به دلیل شدت جراحات جان خود را از دست داده است.

بازداشت فرد یا افرادی مرتبط با ماجرای اسید پاشی در اصفهان را تکذیب « ای سخنگوی قوه قضاییه در تاریخ ۸۲ مهر ماه محسنی اژه ها در چند که این اسید پاشی با این «خبر داده بود. - سه تا چهار نفر - کرد. این در حالی است که وزارت کشور ایران پیشتر از دستگیری هفته گذشته رخ داده است اما هنوز نیروی انتظامی با وجود گزارش های گوناگون و تعداد زیاد قربانیان نتوانسته عاملین این اتفاقات را شناسایی و دستگیر کند.

دستگاه انتظامی با جلوگیری از رسانه‌ای شدن این موضوع و هشدار زود هنگام به شهروندان موجب شده است که تعداد قربانیان افزایش های امنیتی و نظامی کشور نفع قربانی شوند. این در حالی است که دستگاه پیدا کند و تا امروز طبق گفته شهروندان اصفهانی، بیش از ۱۱ را «هاهی» مدعی هستند که می توانند، کمتر از ۸۴ ساعت مجرمان را شناسایی و بازداشت کنند و برای این گفته خودشان بازداشت گروه آورند. مثال می

«یکی از خوانندگان که دختر جوانی است.»

خبر بسیار تکان دهنده بود. برای چند ثانیه خودم را در محل حادثه احساس کردم. صادقانه می گویم آنقدر شجاعت نداشته و ندارم که خودم را جای شخصی که به صورت و بدنش اسید پاشیده بودند بگذارم حتی تصور هم برایم درد آور است. یک حس ناامنی به من دست داد. احساس کردم که خطر هر لحظه در کمین است و مهم این نیست که کسی با تو خصومت شخصی داشته باشد فقط کافی است که فردی از طرز پوشش تو خوشش نیاید و آدم بیماری باشد، همین انگیزه برای آنکه بخواهد که جوانی ات تباه شود کافی است. احساس

کردم حتی همان مقدار آزادی کمی هم که می توانستم داشته باشم دیگر ندارم. احساس کردم باید از همه چیز و همه کس ترسید. باید هر وقت از خانه بیرون میروی لحظه به لحظه به خانواده اطلاع بدهی که حالت خوب است و نگران نباشند. احساس کردم باید تمام عمر من و خانواده ام، در استرس و ترس و وحشت زندگی کنیم که مبدا روزی روزگاری برای من چنین اتفاقی بیافتد. احساس کردم باید پایم را روی پدال گاز زندگی بگذارم و از کنار همه عبور کنم، چرا که هر لحظه امکان دارد کسی به دروغ درخواست کمک کند. احساس کردم "چقدر شهری که در آن زندگی می کنم نا امن است و چقدر انسانها از انسانیت فاصله گرفتند."

نگرانی شهروندان

ای باید چه کارهایی صورت دهید درهایی مبنی بر اینکه در صورت رخ دادن چنین حادثه چند روز پس از حادثه اسید پاشی، پیام در این ها بخصوص دختران همین موضوع شده است. ترسی است و دغدغه اصلی خانواده های اجتماعی در حال چرخیدن های وایبر و شبکه گروه که برای خانواده ها و دختران در جامعه به وجود آمده است تا نکند در هنگام بیرون رفتن از خانه آن ها یکی از قربانیان باشند.

همین موضوع موجب شده که عبور و مرور برای دختران از سوی خانواده ها دایماً از روی نگرانی کنترل شود و حتی آن ها را برای تفریح، همراهی کنند. ها رفتن و عبور و مرورهای عادی دانشگاه

طبق قانون و شرع

در این مدت بعضی از مراجع سکوت خود را در مورد این اتفاقات شکستند و نظرات خود را اینگونه بیان کردند.

این عمل را موجب قصاص «آیت الله العظمی اسدالله بیات زنجانی از مراجع تقلید قم در پاسخ به استفتایی درباره اسیدپاشی بر روی زنان محاربه با» و «افساد فی الارض» و در صورت برهم زدن امنیت اجتماعی یا متهم شدن جامعه اسلامی به این گونه رفتارها، از مصادیق «خدا دانست.»

سیر قانونگذاری در مسئله اسیدپاشی

می شود که قصاص و مانع های گریزرا برای مجرم باز می گذارده و را در مسئله اسیدپاشی همواره دارای خلاء بسیار بوده است البته قانون مجرم صورت گیرد. در مورد

بار ارتکاب اسیدپاشی خصوصاً پس از اسیدپاشی بر روی یک قاضی دادگستری، نهایتاً در تاریخ ۱۶ اسفند ماه چنین بود که پس از چندین « در کشور به تصویب رسید که بر اساس این ماده قانونی «قانون مربوط به مجازات اسید پاشی» ای تحت عنوان سال ۷۳۳۱ ماده واحده هرکس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیائی دیگر، موجب قتل کسی شود، به مجازات اعدام و اگر موجب مرض دائمی یا فقدان یکی از حواس مجنی علیه گردد به حبس جنایی درجه یک و اگر موجب قطع یا نقصان یا از کارافتادگی عضوی از اعضا شود به «حبس جنایی درجه ۲ از دو سال تا ۰۱ سال و اگر موجب صدمه دیگر شود به حبس جنایی درجه ۲ از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد. اما بعد از انقلاب مجازاتی برای اسیدپاشی در قانون منظور نشد. تا اینکه با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۲۹۳۱ (مواد ۱۸۳ به بعد) اعدام مندرج در این ماده به قصاص تبدیل شده است به نحوی که اگر اسید پاشی موجب قتل شود مجازات آن قصاص نفس است و اگر اولیای دم مبادرت به تبدیل قصاص به دیه کنند یا اینکه بزهکار را عفو کنند در حالی که عمل او موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران شود مجازات متهم از باب جنبه عمومی جرم مستنداً به ماده ۲۱۶ قانون تعزیرات مصوب ۵۷۳۱ سه تا ده سال حبس تعزیری است..

تواند رضایت ولی دم را موجب تخفیف مجازات دانسته و بزهکار را به کمتر از سه سال حبس البته قاضی رسیدگی کننده به پرونده می محکوم کند. به علاوه در صورتی که اسیدپاشی موجب جنایتی کمتر از قتل نفس شود حسب ماده واحده فوق الذکر رفتار شده و به موجب قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۹۳۱ در صورت مطالبه قربانی جرم، بزهکار در صورت امکان با قصاص عضو و در صورت عدم امکان قصاص عضو، محکوم به پرداخت دیه نیز خواهد شد.